

## نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تأکید بر نقوش برجسته، فلزکاری و گچ‌بری)

دکتر مهتاب مبینی<sup>۱</sup>  
آزاده شافعی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۹  
تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷

### چکیده

گیاهان در آیین و ادیان مختلف باستان اهمیت ویژه‌ای داشته و برخی از آن‌ها به دلایل مختلف جایگاه مقدس و اسطوره‌ای یافته‌اند که برگرفته از اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی انسان‌ها بوده و علاوه بر آن در زندگی آن‌ها نیز تأثیر بسزایی داشته و بر اساس همین ویژگی‌ها، در هنر هر دورانی بازتاب یافته‌اند. در ایران باستان نیز شماری از گیاهان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و مقدس شمرده می‌شدند. نخست در دوره‌ی هخامنشیان که هنر ایران به سبکی منسجم دست یافت و بر اساس تعالیم زرتشت و باورهای اعتقادی، نمادهای گیاهی در هنر آن‌ها نمود فراوانی پیدا کرد. ساسانیان نیز که خود را وارث هنر هخامنشی می‌دانستند، این نمادها و اسطوره‌های گیاهی را همچنان در آثار هنری مختلف خود نشان داده و حفظ کردند. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای تنظیم شده است، به شناخت گیاهان اساطیری و مقدس، تعیین خاستگاه این نمادهای اسطوره‌ای و اهمیت و نقش آن‌ها در هنر دوران ساسانی پرداخته شده است. یافته‌ها بیانگر این است که استفاده از نقوش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی ورای جنبه تزئینی، کاربرد نمادین و اعتقادی داشته و به عبارتی ریشه در باورهای مذهبی آن دوره دارد؛ نمادهایی که بیانگر شگون و برکت، خیرخواهی، باروری، جاودانگی و مانایی و همچنین دوام سلطنت و قدرت بوده‌اند.

واژگان کلیدی: گیاه، اسطوره، مقدس، نقش، هنر ساسانی.

۱. استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، ایران. [mobini.mahtab@gmail.com](mailto:mobini.mahtab@gmail.com)  
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور، ایران. [az4deee@yahoo.com](mailto:az4deee@yahoo.com)

براین اساس و با توجه به اینکه هنر ایران باستان در دوره‌ی ساسانی به پیشرفت چشمگیری دست یافته است، در این پژوهش، پس از بررسی و تحلیل گیاهان مقدس و اساطیری و منشأ آن‌ها، به بررسی نقش این گیاهان در آثار مختلف هنری دوره ساسانی پرداخته شده است.

### پیشینه پژوهش

در مورد اساطیر به‌طور کلی پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است که در قالب کتاب منتشر شده‌اند و در برخی از این کتاب‌ها بخش‌هایی به گیاهان اساطیری اختصاص یافته‌اند؛ مانند کتاب دانشنامه‌ی اساطیر جهان که زیر نظر رکس وارنر و با ترجمه‌ی ابوالقاسم اسماعیل پور موجود است یا در کتاب اسطوره‌های ایرانی نوشته جان راسل هینلز ترجمه دکتر مهناز شایسته فر و همچنین کتاب شناخت اساطیر ایران اثر همین نویسنده ترجمه‌ی احمد تفضلی و ژاله آموزگار در مورد گیاه مقدس هوم در دوران باستان توضیحاتی آمده است؛ از طرفی در مورد نقوش گیاهی در هنر ساسانی نیز به‌صورت کلی یا اختصاصی کتاب‌هایی نوشته شده است. پژوهش‌هایی که در زمینه پایان‌نامه و مقاله انجام شده است نیز بیشتر بر مبنای متون ادبی و مذهبی کهن به بیان اساطیر پرداخته و کمتر نمود هنری آن‌ها را بررسی کرده‌اند. در زمینه‌ی مقالات نیز، تنها پژوهش‌هایی از جهت ویژگی نمادین و یا تقدس گیاهان بر پایه‌ی اعتقادات و باورهای مردم باستان صورت گرفته است. اما آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، نقش گیاهان از منظر تقدس و اسطوره‌ای بودن آن‌ها و تجلی این نقوش در هنر ساسانی بابت چگونگی ظهور و ورودشان و جایگاهی است که در این هنر داشته‌اند. همچنین به دلایل استفاده از این گیاهان پرداخته شده است.

### گیاهان اساطیری و مقدس در ایران باستان

گیاهان در ایران باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و با توجه به نقوش بسیاری که بر روی سنگ‌ها، مهرها و سفال‌ها یافت شده، می‌توان دریافت که شماری از آن‌ها جایگاه مقدس و اسطوره‌ای یافته‌اند که در دوره‌های مختلف و با توجه به آیین‌ها و باورهای اعتقادی، دینی و مذهبی هر دوره، گیاهی خاص از اهمیت و جایگاه والاتری برخوردار بوده است.

به نظر می‌رسد اهمیت اساطیری و تقدس گیاه و درخت در میان ایرانیان، ریشه در داستان آفرینش نخستین پدر و مادر بشر «مشی و مشیان» داشته باشد که در ابتدا به شکل گیاهی پیوسته به هم رویدند. نخستین زوج انسانی از تخم کیومرث پدید آمد. ابتدا این زوج به شکل گیاه بودند؛ بدین معنی که نر و ماده آن قابل تشخیص نبود. آن‌ها باهم درختی به وجود آوردند که میوه آن

تقدس گیاهان در سرزمین ایران پیشینه‌ای طولانی و تاریخی دارد. کوروش، پادشاه ایران، باغ ایرانی یا همان پردیس را برپا داشته و در فرهنگ پارسی یکی از صفات شاهنشاه «باغبان خوب» بوده است (سیروس، ۱۳۹۲: ۱۲۸). تصرفات کوروش و داریوش بزرگ در عهد هخامنشی موجب تلفیق سنت‌ها و فرهنگ‌های عظیم سرزمین ایران گردیده است. در حقیقت، این هنر تلفیقی هنرمندانه از همه‌ی هنرهای زمانه با هویتی بدیع و منحصر ایرانی است. از آنجاکه گیاهان مقدس و اساطیری را در تمدن‌های هم‌زمان دیگری همچون مصر، هند، یونان، آشور، بابل و... نیز می‌توان مشاهده کرد (به‌عنوان مثال گل لوتوس یا نیلوفر آبی در اکثر کشورهای آسیایی و هنر مشرق زمین به‌صورت نماد و سمبل شناخته شده است) و با توجه به اینکه ایران در دوره‌های مختلف به‌خصوص در دوره‌ی ساسانی، تعاملات فرهنگی، سیاسی و هنری با تمدن‌های هم‌دوران و هم‌عصر خود داشته است، لازم است که برای شناخت و بررسی هر چه بیشتر نقوش و نمادهای اصیل هنر ایران زمین به گذشته و منشأ آن‌ها رجوع کرده و به تحلیل و بررسی آن‌ها بپردازیم تا به درک بهتر هویت و اصالت هنر سرزمین خود دست‌یابیم.

از آنجاکه اساطیر نقش عمده‌ای در فرهنگ و هنر ایران باستان داشته‌اند به‌طوری‌که تداوم آن‌ها تا به امروز باقی‌مانده است؛ ضرورت می‌یابد که در مورد چگونگی ورود این اساطیر به هنر ساسانی و کاربرد آن‌ها به‌صورت نقوش نمادین در آثار هنری مختلف بررسی‌های بیشتری به عمل آید. از میان اساطیر مختلف، اسطوره‌های گیاهی جایگاه ویژه‌ای در هنر ساسانی داشته‌اند. بررسی نقش گیاهان مقدس که در هر دوره و زمان مورد توجه هنرمندان بوده است، می‌تواند یکی از راه‌های پی بردن به تاریخ هنر و معماری گذشته باشد. وجود این گیاهان به‌عنوان یک عنصر اصلی تزئینی در معماری و هنر دوران مختلف زندگی بشر، از باستان تا قرن حاضر، ضرورت پاسخ به سؤالات بسیاری در این زمینه را ایجاد می‌کند؛ از جمله اینکه دلیل توجه به این گیاهان چه بوده؟ مبدأ و منشأ آن‌ها کجا بوده است؟ و به چه دلیل تقدس یافته و در آثار مختلف هنری نمایان شده‌اند؟ همچنین در هنر دوره ساسانی که به‌گونه‌ای احیاکننده و ادامه‌دهنده‌ی هنر هخامنشی بوده است، گیاهان مقدس و اساطیری چه نقش و جایگاهی داشته و به چه منظور استفاده شده‌اند؟ آیا این نقوش گیاهی صرفاً جنبه‌ی تزئینی داشته‌اند و یا ویژگی‌های اعتقادی و تقدس آن‌ها سبب کاربردشان در هنرهای گوناگون شده است؟

حامل ده نژاد بشری بود و زمانی که شکل انسانی به خود گرفتند، خداوند حکیم مسئولیت آن‌ها را به ایشان واگذار نمود: «شما از تخم انسان هستید، شما والدین جهان هستید، من در حق شما کامل‌ترین توانایی‌ها را وقف کرده‌ام، به چیزهای خوب فکر کنید، کلام خوب بر زبان آورید، اعمال خوب انجام دهید و به شیطان کرنش نکنید» (هینلز، ۱۳۸۸: ۵۷).

همچنین درخت از جنبه‌ی زندگی‌بخش بودن و باروری نیز مورد تقدیس است. به‌طور کلی اعتقادات دینی بر باورهای مردم باستان تأثیر به‌سزایی داشته و باعث مقدس شمردن گیاهان شده‌اند. به‌عنوان مثال در ایران باستان مطابق روایات، درخت سرو را زرتشت از بهشت آورد و در پیش آتشکده کاشت. یاهوم (هومه) را پسر اورمزد به شمار آورده‌اند و او را موبدی آسمانی دانسته‌اند (آموزگار، ۱۳۸۹: ۳۳)؛ بر این اساس و دلایل اعتقادی دیگر، تعدادی از گیاهان و درختان را بهشتی و آسمانی پنداشته و برای آن‌ها خاصیت نیروزایی، شفادهنده و مسمومیت‌زداینده قائل گردیده‌اند.

#### هوم

یکی از گیاهان مقدس در آیین زرتشت «هوم» (هئومه، هوما)<sup>۱</sup> است. هوم یا هئومه، هم به‌عنوان ایزد و هم به‌عنوان گیاهی مقدس در آیین مذهبی شناخته‌شده است.

هوم در اوستا «هئومه» و در سانسکریت «سومه»، نام گیاهی مقدس بوده است که شیرهی آن را با مراسم و تشریفات بسیاری، با آب و شیر آمیخته و شربت آن را پراهوم می‌خواندند و در مراسم دینی، مؤمنان هر یک جرعه‌ای می‌نوشیدند (رضی، ۱۳۷۴: ۱۵۸). به عبارتی هوم از مهم‌ترین گیاهان مقدس در آیین زرتشت بوده و نماد جاودانگی است. این گیاه علاوه بر ایران در هند نیز مورد تقدس بوده و بانام «سوما» ۲ در آیین هندوئیسم مطرح‌شده است و یکی از موارد اصلی در مناسک ودیک ۳ است که در آن به‌عنوان گیاه و خدا ظاهر می‌شود. آب این گیاه را پس از فشردن از صافی پشمی عبور داده و در خمره‌هایی حاوی شیر و آب ریخته و حاصل آن مایعی زردرنگ است که شبیه اشعه‌ی خورشید بوده و جریان این مایع، مشابه ریزش باران است. سوما بنام خدا یا پادشاه جویبارها و بخشنده‌ی باروری خوانده می‌شود. از آنجایی که این نوشیدنی قدرت درمانی دارد، گفته می‌شود که خداوند با آن چشم کور را بینا و به‌پای معلول توانایی داده و با حضور در قلمرو کیهانی به بقیه‌ی خدایان قدرت می‌دهد. این گیاه در کوه‌ها یافت می‌شود ولی این موجود بهشتی که در آسمان‌ها جلوس یافته، بر بلندای تمامی هستی قرار دارد (هینلز، ۱۳۸۸: ۳۴).

#### سرو

در نظر ایرانیان درخت سرو از اهمیت زیادی برخوردار بوده و سمبل گیاهی نامیده می‌شود و در ضمن به درخت زندگی در میان مردم مشهور بوده است. این درخت به سبب مقاومت در شرایط بد آب‌وهوایی و همیشه‌سبز بودن، در هنر و ادبیات ایران نمادی از زندگی، سرخوشی، استقامت و آزادگی است. سرو یا کاج، ویژه‌ی خورشید است ولی در برخی موارد آن را وابسته به ماه می‌دانند.

سرو، درخت همیشه‌سبز و با طراوت و از درختان مقدس در آیین زرتشت بوده و مانند دیگر درختان همیشه‌بهار، نماد جاودانگی، زندگی طولانی و حیات پس از مرگ است. بر اساس روایات، زرتشت این درخت را از بهشت آورده است. پس از آن که اورمزد اسرار دین را به زرتشت آشکار می‌کند، او پیامبری دین مزدیسنا و رسالت خود را اعلام می‌دارد و رهسپار دربار گشتاسب می‌شود. سپس او را به دین اورمزد فرامی‌خواند و با بیست‌ویک نسک اوستا و سرو همیشه‌سبز و آتش همیشه روشن، دین خود را به گشتاسب عرضه می‌کند (قلی زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۸).

#### درخت زندگی

در بین‌النهرین، درخت زندگی ترکیبی است از رستنی‌های گوناگون که به علت عمر طولانی و زیبایی و سودمندی مقدس شمرده می‌شوند؛ از قبیل درخت سدر که چوبش گران‌بهاست، نخل که خرما می‌دهد، تاک‌بن با بار خوشه‌های انگور و درخت انار با رمز باروری که میوه‌اش آبستن صدها دانه است.

در باور ایرانیان، چنان‌که در بهمن‌یشت (فرگرد ۲ بند ۱۴) آمده است، درخت زندگی دارای هفت شاخه است از طلا، نقره، برنز، مس، قلع، فولاد و آهن آمیخته که اشاره به هفت سیاره‌ی مقدس یا هفت ملتی دارد که بر آن‌ها فرمانروایی می‌کرده‌اند و هر یک از آن‌ها منطبق است بر عصری از ادوار هفتگانه‌ی تاریخ افسانه‌ای ایران. بر اساس اسطوره‌های ایرانی، گوهرتن‌زردشت به‌دقت «خرداد» و «امرداد»، دو امشاسپند اهورایی، از آب و گیاه ساخته شد و وقتی که زردشت به سن سی‌سالگی رسید و هومن از سوی نیمروز (جنوب) بر وی نازل گشت و او را برای نخستین گفتگوهایش با خداوند به عالم بالا (گرمزان و عرش اعلی) برد (پور خالقی چت رودی، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۸)، زردشت در آنجا این درخت هفت شاخه را مشاهده کرد که خود درخت، نمادی از گیتی و هفت شاخه آن، نشان از هفت دوره‌ی آینده‌ی جهان بوده است. درخت زندگی معمولاً در تصاویر و نقوش، میان دو راهب و کاهن یا دو جانور افسانه‌ای (شیر دال، بز وحشی و ...) قرار دارد که نگهبانش به شمار می‌روند.

درخت زندگی در تمدن‌های باستانی سراسر جهان، نماد باروری و رویش یا واسطه‌ی خیروبرکت شمرده‌شده و برگ‌هایش خاصیت درمان‌بخشی آلام بشری را داشته است. این نقش، خصوصاً در هنرهای تزئینی و رمزی بین‌النهرین از سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد و در ایران زمان ساسانی به کار می‌رفته است. در اساطیر کهن، درخت مقدس نیز با همان مفهوم و محتوا و برابر با درخت زندگی آمده است (شمس، ۱۳۷۹: ۲۰۶).

#### بس تخمه

بس تخمه یا همه تخمه درختی است در میان دریای اساطیری فراخ کرد که تخمه همه گیاهان از این درخت است و سیمرغ بر آن آشیان دارد. نام دیگر آن نیکو پزشک، کوشا پزشک، همه پزشک است (قلی زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۰). از این درخت مقدس در اوستا با نام ویسپویش عنوان شده و از دریا با نام واوروکش یاد شده است. در ساقه‌اش، نه کوه آفریده شده که دارای نه صد و نود و نه هزار و نه صد و نود و نه جوی است. آب این جوی‌ها به هفت کشور زمین می‌رود و آب دریا‌های زمین از آنجا سرچشمه می‌گیرد (فرننگ دادگی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). از آن به درخت دورکننده غم و بسیار تخمه یا بس تخمک نیز نام برده شده است که خواص درمانی داشته و تخم همه‌ی گیاهان در آن است.

به نقل از مینوی خرد، آشیانه سیمرغ در درخت بسیار تخمه‌ی دور دارنده‌ی غم است و هرگاه از آن برخیزد، هزار شاخه از آن بشکند و تخم آن پراکنده شود و چینام روش ۴ مرغ نیز آن نزدیکی می‌نشیند و کارش این است که تخم‌هایی را که از درخت بسیار تخمه دورکننده غم فروریزد، او برچیند و آنجا که تیشتر آب را می‌ستاند بپراکند تا تیشتر آب را با همه آن تخم‌ها بستاند و با آن باران به جهان ببارد (پرسش ۶۱، بندهای ۳۷ تا ۴۲) (طاهری و سلطانمرادی، ۱۳۹۲: ۱).

#### برسم

گیاه دیگری که در آیین‌ها و نیایش‌های ایرانیان باستان کاربرد داشته «برسم» است. برسم یا برسمن، شاخه‌های بریده درخت است که هر یک از آن‌ها را در زبان پهلوی تاک و به پارسی تالی گویند. از اوستا برمی‌آید که برسم مانند انار و گز و هوم باید از جنس رستنی‌ها باشد. شاخه‌ها با کاردی به نام برسم چین بریده می‌شود. برسم باید از شاخه‌های باریک بی‌گره باشد که با نیایش و زمزمه می‌برند. گاهی در مراسم، به رسم‌های فلزی از برنج و نقره به جای گیاه به کار می‌برند. هر یک از تالی‌های فلزی به بلندی نه بندانگشت و به قطر یک‌هشتم بندانگشت است. در اوستا شمار برسم‌ها از ۳ تا ۳۵ ذکر شده است. دور به رسم‌ها را با بندی که از برگ الیاف خرما بافته‌اند

می‌بندند، نظیر کشتی که کمر بند زرتشتیان است، این بند نیز کشتی نامیده می‌شود (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۲). مراسم برسم، نیایش و سپاس به جای آوردن برای بهره‌مندی از گیاهان است.

#### درخت آسوریک

در داستان آهنگین درخت آسوریک سخن از درختی کهن سال می‌رود که با بز به گفتگو ایستاده و یادآور نگاره‌های بی‌شمار رویارویی درخت و بز بر روی آثار کهن ایرانی است. درخت آسوریک داستانی است منظوم به زبان پهلوی و در شمار متن‌های غیردینی اندکی است که از این زمان به جای مانده است (نوابی، ۱۳۴۶: ۷). در آغاز داستان درخت آسوریک (که نشانه‌هایش به خرما ماند) از برتری خویش و سودمندش برای مردمان سخن می‌گوید، سپس بز گفته‌های او را به چالش کشیده و با برشمردن ویژگی‌هایش خود را سودمندتر و برتر می‌خواند (طاهری و سلطانمرادی، ۱۳۹۲: ۲-۳).

#### درخت نخل یا خرما

درخت نخل در ایران باستان درخت مقدسی به شمار می‌رفته است و نمونه‌های زیادی از آن را در زمان ساسانی در گچ‌بری‌های بیشاپور می‌توان دید، دلیل عمده دیگری که در ایران باستان درخت خرما مقدس شمرده می‌شده است این است که میوه‌های آن جنبه باروری داشته و در زمان هخامنشی و ساسانی به درخت زندگی معروف بوده است. درخت نخل علاوه بر باروری، نماد پادشاهی نیز بوده است.

به نظر می‌رسد که نقش نخل در ایران باستان نشأت گرفته از مصر و بین‌النهرین باشد؛ در مصر، پیوندی میان شاه با نخل سلطنتی وجود داشت. داریوش که نیزه‌دار کمبوجیه بوده و در آن هنگام برای آشنایی با مصر به آن سرزمین رفته بود، در ۵۲۵ ق.م در مقام شاهنشاه بزرگ به آن کشور بازگشت (اتینگهاوزن و یار شاطر، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

مفصل‌ترین بازنمایی دیدار شاهانه از نخلستان در نقش برجسته‌ی دروازه‌ی دوبرجی کاخ آپریس (۵۸۸-۵۶۸ ق.م) از دودمان سائیتی، در شهر ممفیس یافته شده است. پذیرفتنی است که داریوش سیاست‌های کمبوجیه را که کوشیده بود خود را نزد مصریان جانشین قانونی آپریس معرفی کند ادامه داد. در همان زمان ممکن است درخت نخل را به عنوان نماد پادشاهی، بر مجموعه‌ی موضوعات تصویری رسمی افزوده باشند. خوشه‌های خرما که در مهرهای استوانه‌ای هخامنشی بارز هستند؛ اما در نخل‌های نقوش مصری وجود ندارند؛ شاید اشاره بر جنبه‌ی باروری داشته باشند که ظاهراً جزء جدانشدنی، از بازنمایی درخت نخل در هنر آسیای غربی است (همان:



داخل برگ پالم (برگ نخل) مختص دوره ساسانی است و در اواخر دوره ساسانی پالمت های شکافته شده، به صورت یک جفت بال درمی آیند که نماد باروری و حاصلخیزی است و جنبه روحانی دارد. (تصویر ۱)



تصویر ۱ - حاشیه تزئینی، اواخر دوره ساسانی، موزه مترو پولیتن، منطقه نظام آباد ایران، منبع: <http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/323581/search>

### بلوط

بلوط درختی تنومند و دیرزی است و میوه آن نخستین خوراک انسان بوده است. انسان های نخستین، عهد و پیمان ها را در زیر درخت بلوط می بستند که درختی امن بوده است. ریشه های تقدس درخت بلوط به اروپا و اسکاندیناوی مربوط می شود و اشارات بسیاری در کتاب مقدس در باب بلوط می توان یافت. بعدها بلوط درخت مقدس رومیان شد. در مراسم عروسی روم باستان شاخه های بلوط حمل می کردند تا تضمین بخش پیوندی بارور باشند (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۷۹-۵۸۰).

### هنر در دوره ساسانیان

هنر ایران در روزگار ساسانیان تلفیقی است از جلوه های هنر شرقی قدیم و تداوم هنر تمدن های هخامنشی و اشکانی. در عهد ساسانیان هنر ایرانی به پیشرفت چشمگیری رسید و اگرچه از جریانات خارجی همچون یونان و روم تأثیر پذیرفت ولی این هنرها را بر اساس سنت های محلی تغییر داد. در این دوره برای تزئینات کاخ ها و بناها از عوامل مختلفی چون موزاییک کاری، نقاشی روی دیوار، گچ بری و نقش برجسته استفاده می شد که هر یک از تجلیات خاص عهد ساسانی محسوب می شدند.

قالی بافی از دیگر جلوه های هنری مهم عهد ساسانیان است که در این دوره رواج یافته است. نقوش و قالی های این دوره مملو از تصاویر انتزاعی و هندسی از گل و گیاه و حیوانات و پرندگان است. بافت پارچه های ابریشمی نیز در این دوره رواج فراوان

یافت و این بیشتر از آن ناشی می شد که ایران بر سر راه چین (بزرگترین تهیه کننده ابریشم) و روم (بزرگترین مصرف کننده آن) قرار داشت و مسیر انتقال ابریشم که بعدها به جاده ابریشم معروف شد از ایران می گذشت. هنر فلزکاری و ساخت لوازم تزئینی فلزی نیز در روزگار ساسانیان رونق داشت و در آثار فلزی این دوره همچون بشقاب، جام، گلدان و زیورات، نقوش مشابهی از صحنه های شکار، جلوس شاه، اعطای منصب و همچنین تصاویر زیبایی از پرندگان، گل ها و حیات افسانه ای مشاهده می شود.

دوره ساسانی از منظر بررسی تقدس گیاهان (رویدنی ها) در ساختارهای اندیشه (اسطوره ها) جایگاه خاصی دارد زیرا اساطیر این دوران تداوم یافته از باورهای پیشین هستند، از جمله می توان به آیین زرتشتی، مهری و مانوی اشاره کرد که در همه ی آن ها درخت نقش محوری داشته است (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۰۰-۹۹). در این بخش از پژوهش به بررسی نقوش گیاهان مقدس و اساطیری در هنر آن دوره پرداخته شده است.

### بررسی نقوش گیاهی اساطیری و مقدس در آثار

#### هنری دوره ساسانی

#### ۱- نقش برجسته

#### ۱-۱- گل نیلوفر

نقوش برجسته و کنده کاری بر روی سنگ ها و صخره ها، از آثار مهم دوره ساسانی است که موضوعات مختلفی را در بردارند؛ یکی از نقوش مهم در این نقش برجسته ها وجود نقوش گیاهی است که به صورت های مختلف دیده می شوند. البته در این دوران این نقوش صرفاً در مکان های مقدس به کار نمی روند؛ بلکه در مکان های یادبود، قصرها، اماکن مهم، اجناس صادراتی و هدایا دیده می شوند (خرازی زاده، ۱۳۸۳: ۲۴۳). نیلوفر، مانند سایر مظاهر فر، هم نماد قدرت بود و هم القای نیکبختی می کرد (سودآور، ۱۳۸۴، ۷۶)؛ که گاه این نقش در دست پادشاه و یا در کنار نقش شاه ظاهر می شد.

در یکی از نقوش برجسته های طاقبستان صحنه ی تاج گذاری اردشیر دوم (۳۸۳-۳۷۹ م) در سنگ تراشیده شده است. (تصویر ۲) در این صحنه سه شخص مشاهده می شود، یکی تاج می بخشد و دیگری که هاله ای بر دور سرش است دسته ی برسم به دست دارد، پروفیسور گریشمن این شخص را میترا، فرد وسط را شاه و شخصی را که تاج می بخشد اهورامزدا می نامد؛ که شاه و اهورامزدا بر روی جسد یکی از رومیان ایستاده اند و میترا یا ایزد مهر با پرتو خورشید به دور سر، بر روی گل نیلوفر ایستاده است.

در میان ایزدانی که ایرانیان باستان به ستایش آن ها



تصویر ۲- نقش اعطای نشان به اردشیر در حضور ایزد مهر که روی گل نیلوفر ایستاده است و برسم در دست دارد. طاق‌بستان. (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۹۰)

دوره ساسانی شاه دارای مرتبت مهری بود و برخی از پژوهشگران نیز معتقد هستند نقش هاله به دور سر شاه که نشانه تقدس است، بر خصوصیت ماوراءالطبیعه‌ای شاهان دلالت دارد. بر همین اساس شاه را تجسمی از ایزد مهر می‌پنداشتند (هینلز، ۱۳۸۳: ۳۰۳). ارتباط پادشاه ساسانی به‌عنوان استعاره‌ای از ایزد مهر با گیاه موجود در زیر نیم‌تنه‌های کاسه‌ها و مهرها قابل بررسی است.

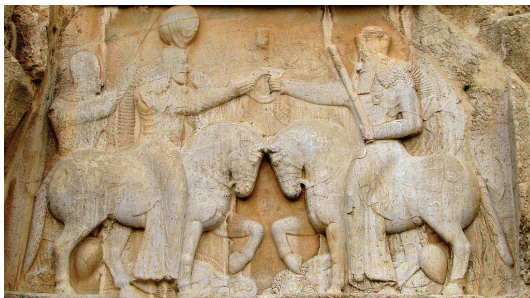
#### ۱-۲- درخت زندگی

طاق بزرگ طاق‌بستان که از نظر برخی محققین مربوط به دوران سلطنت خسرو دوم معروف به خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ م) است، دارای پایه‌هایی است که بر روی دو ستون قرار گرفته‌اند و بر روی این دو ستون نقوش گیاهی با تزیینات فراوان مشاهده می‌شود. (تصویر ۳) این نقوش و تزیینات گیاهی، شبیه به شکل برگ کنگر است که به گل عجیبی ختم می‌شود، به عقیده‌ی هرتسفلد، این درخت «گوکرن ۵» یا «ویسپوبیش» است و نیز قدما این درخت را شفادهنده‌ی هر مرض معرفی می‌کردند. همچنین این درخت مجلل عجیب که با شادابی فراوان شکفته، نویدی گیرا برای فراوانی بوده و طرح‌های گیاهی، درخواستی برای باروری است. در اینجا مفهوم دعا به‌وسیله‌ی نمادها عرضه‌شده تا به‌کارگیری نیروی معماری (خرازی

می‌پرداختند یکی از برجسته‌ترین آن‌ها ایزد مهر (میتر) بود. در سرودهای باستانی که در اوستای کنونی بازمانده سرودی برای جشن این ایزد هست که مهریشت خوانده می‌شود. در مهریشت همبستگی ایزد مهر با خورشید که هنوز در معنای فارسی مهر زنده است، نمودار شده است (مقدم، ۱۳۸۰: ۱). طبق نوشته‌های تاریخی، سال زایش مهر را ۲۷۲ پیش از میلاد می‌دانند. پیروان دین مهر چون باور داشتند که مادر مهر (ناهید) در آب از تخمه‌ی زرتشت بارور شده است و زایش او را از میان غنچه‌ی نیلوفر که مانند میوه‌ی کاج است در صحنه‌های زایش بازنموده‌اند (همان: ۹۵-۹۴).

رابطه گسترده میان پادشاهان و گیاهان مقدس در میان اقوام مختلف شرقی مسئله‌ای درخور توجه و نشانه‌شناسی موجود در نقش شاه و پیوند آن با گیاه در طول تاریخ قابل بررسی است. بارزترین دلیل رابطه شاه و گیاه، برکت، زایش و اسطوره‌های کشت و تمدن کشاورزی است که قبلاً به جایگاه و اهمیت آن در زندگی انسان از ادوار بسیار کهن‌تر اشاره شد. چنان‌که گفته شد، گل نیلوفر نماد زایش در ایران باستان است که این گیاه رابطه‌ای نزدیک با ایزد مهر دارد و اسطوره زایش ایزدمهر از نیلوفر بر این اسطوره استوار است (رضی، ۱۳۸۱: ۲۷۱). در

چپ قرار دارند. اهورامزدا حلقه‌ی پادشاهی یا دیهیم را با دست راست به اردشیر می‌دهد و در دست چپ او برسم قرار دارد. (تصویر ۴)



تصویر ۴- مراسم تاج‌گیری اردشیر یکم، نقش رستم، قرن سوم میلادی. منبع: گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۳۲



تصویر ۵- قطعه گچ‌بری با نقوش گیاهی، تیسفون، منبع: <http://www.metmuseum.org/collection/the-322639/collection-online/search>



تصویر ۳- نقش درخت زندگی، طاق‌بستان، منبع: <http://irantourism.akairan.com/iranshenasi-html.4460/irangardi/kermanshah-didaniha>

## ۲- گچ‌بری

در دوره‌ی ساسانی گچ کاری و گچ‌بری مقام مهمی در هنر تزئین داشته است؛ در این دوره فن‌های خاصی به همراه نقوش مختلف حیوانی، انسانی، گیاهی و نقوش هندسی برای این هنر اجرا شد که از به‌کارگیری و تلفیق این عناصر در هنر گچ‌بری مناظر جالب توجه‌ی عرضه شد که باعث تحولاتی در عرصه‌های دیگر هنر آن دوران گشت.

در هنر گچ‌بری ساسانی نیز تصورات و اعتقادات عصر، راهنمای هنرمند بوده و بیشتر آنچه در تزئینات گچ‌بری بر دیوارها نقش می‌بست نماینده‌ی باورها و نگرش‌های مردمان نسبت به جهان هستی بود که خواه‌ناخواه مفاهیم و تصورات بنیادی مردمان را با نشانه‌ها و اشکال نمادین به نمایش می‌گذاشت (خالدیان، ۱۳۸۷: ۲۲). قسمت اعظم آثار بازمانده‌ی گچ‌بری دوره ساسانی را نقوش گیاهی تشکیل داده است. در برگه‌های ترکیبی گیاهی تا حدودی طرح‌های هندسی جای خود را به طرح‌های گیاهی داده‌اند، منتهی با اندکی تغییر و با کاربردی از طرح‌های استیلیزه که در نوع خود بی‌نظیر بوده و

وجود این درخت با تزئینات و تجملات اغراق‌شده و تکرار این نقوش بر روی ستون‌های کوچک‌تر علاوه بر جنبه‌ی تزئینی می‌تواند جنبه مذهبی آیینی و تقدس داشته باشد. البته در اینجا حضور جانوران نگهبان در اطراف درخت را نمی‌بینیم ولی همین تأکید فراوان به وجود درخت و اغراق در شاخ و برگ‌های آن می‌تواند جنبه‌ی نمادین داشته باشد.

## ۱-۳ برسم

یکی از گیاهان مقدسی که در مراسم آیینی ایران باستان کاربرد داشته «برسم» بوده است. در تصویر شماره ۲ همان‌طور که اشاره شد در دست خدای مهر دسته‌ای برسم دیده می‌شود. پس در این نقش برجسته میترا یا ایزد مهر علاوه بر اینکه روی نیلوفر ایستاده است، برسم نیز در دست دارد و به عبارتی از دو نماد گیاهی مقدس، در این مراسم استفاده شده است.

همچنین در نقش برجسته اردشیر اول در نقش رستم که مراسم دیهیم‌ستانی یا همان گرفتن حلقه‌ی پادشاهی را نشان می‌دهد، اهورامزدا و اردشیر هر دو بر اسب نشسته‌اند. اهورامزدا در سمت راست و اردشیر در سمت





تصویر ۸- قسمتی از گچبری با نقش نخل، کاخ تیسفون،  
منبع: <http://www.metmuseum.org>

۲-۲- نیلوفر آبی (لوتوس) و برگ کنگر (آکانتوس)  
نقش گیاهی نیلوفر آبی که سمبل و تجلی نمودی از علائم مقدس مذهبی است به صورت های گوناگون و در اندازه های مختلف در قطعاتی از گچبری های به دست آمده در چال ترخان و کاخ تیسفون مشاهده شده است. در زمان ساسانیان روی یک سری از گچبری های تیسفون و بیشاپور نقش روزت های ساسانی که همان گل نیلوفر است دیده می شود. نکته مهم در این تصویر قرارگیری این نقوش در طرح ها و موتیف های گرد است (پرادا، ۱۳۵۷: ۳۰۷ - ۳۰۶). (تصاویر ۹ و ۱۰) نمونه های ارزنده نقش گل لوتوس در گچبری های کاخ چال ترخان ری است. نیلوفر دارای زیبایی منحصر به فرد است. در بین نقوش گچبری چال ترخان نقش آناهیتا بر روی چند خشت مربع با آرایش مو و گردنبندی بر گردن با آرایش گل لوتوس را شاهد هستیم.



تصویر ۹- نقش گیاهی لوتوس در گچبری کاخ چال ترخان،  
موزه بوستون، منبع: [www.raeeka.wordpress.com](http://www.raeeka.wordpress.com)

طرح های گچبری را شامل شده اند. قطعاتی از گچبری دارای طرح های گیاهی با نقوش استیلیزه، در شهر تیسفون به دست آمده که اینک زینت بخش تالار ساسانی موزه متروپولیتن در نیویورک است (انصاری، ۱۳۶۶: ۳۲۸). (تصاویر ۵ و ۶)



تصویر ۶- قطعه گچبری با نقوش گیاهی، تیسفون، منبع:  
<http://www.metmuseum.org/collection/the-322643/collection-online/search>

مهم ترین نقوش گیاهی که در آثار گچبری دوره ساسانی مشاهده می شوند عبارت اند از: نخل (پالمت)، تاک و پیچک، گل نیلوفر (لوتوس)، میوه انگور، آکانتوس، گل چند پر (روزت)، نقش بلوط و همچنین نقوش های استیلیزه شده شبیه برگ انجیر، نخل، کنگر و نیلوفر که این نقوش را در گچبری های کاخ تیسفون، بی شاپور، چال ترخان ۶ و کیش به وفور مشاهده می کنیم.

#### ۲-۱- نقش نخل (پالمت)

فرم این گیاه در موتیف های مذهبی جنبه ی تقدس داشته و به عنوان شگون و برکت مورد استفاده قرار می گرفته است. (همان: ۳۲۸-۳۲۹) این نقش در آثار گچبری کاخ کیش و تیسفون و همچنین کاخ تپه حصار دامغان مشاهده می شود (تصاویر ۷ و ۸) که در دوره های بعد تکامل یافته و به فرم اسلیمی تبدیل شده و در نقوش کاشی و فرش تجلی یافته است.



تصویر ۷- نقش گیاهی پالمت در گچبری کاخ تیسفون، منبع:  
[www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)



تصویر ۱۲- گچ‌بری با نقش آکانتوس، کاخ تیسفون، دوره ساسانی، موزه مترو پولیتن، منبع: [www.vista.ir/content](http://www.vista.ir/content)



تصویر ۱۳- نقش برگ‌های کنگر در تزئین حاشیه، کاخ تیسفون، دوره ساسانی، موزه مترو پولیتن، منبع: [www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)



تصویر ۱۰- نقش گیاهی لوتوس در گچ‌بری کاخ چال ترخان، موزه بوستون، منبع: [www.raeeka.wordpress.com](http://www.raeeka.wordpress.com)



تصویر ۱۱- قسمتی از گچ‌بری با نقش گل لوتوس، کاخ تیسفون، دوره ساسانی، موزه مترو پولیتن، منبع: [www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search](http://www.metmuseum.org/collection/the-collection-online/search)

که گیاه آکانتوس هیچ جایگاهی در فرهنگ و اسطوره مشرق زمین ندارد و به احتمال زیاد دارای خاستگاه اندیشه اسطوره‌ای یونان باستان است، زیرا آشناترین کاربرد تزئینی این برگ در سرستون‌های رومی و یونانی مشاهده می‌شود، احتمالاً اعتقاد به زندگی پس از مرگ دلیلی برای تزئینات آکانتوسی است (آدام، ۱۳۷۵: ۹۰). سرستون کورنتی، بیانی رسمی از یک گیاه آکانتوس است. اولین کاربرد شناخته‌شده سرستون کورنتی که با گیاه آکانتوس تزئین شده در بنای یادبود لیبی کراتس در آتن متعلق به ۳۳۴ ق.م است (همان: ۹۴). البته مورد دیگر استفاده از سرستون کورنتی و تزئینات برگ کنگری در شهر بیشاپور است. در سال ۲۶۶ حاکم شهر به‌افتخار شهریار خود در آنجا بنای یادگاری بر پا ساخت. در این محل سه‌پایه‌ی ستون موجود است که بر روی دو تا از آن‌ها دو ستون یکپارچه برپاست که حامل سرستون‌های کورنتی به سبک رومی بوده‌اند و احتمالاً بر روی آن‌ها کتیبه‌ی درگاهی قرار داشته است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۵۱). (تصویر ۱۴)

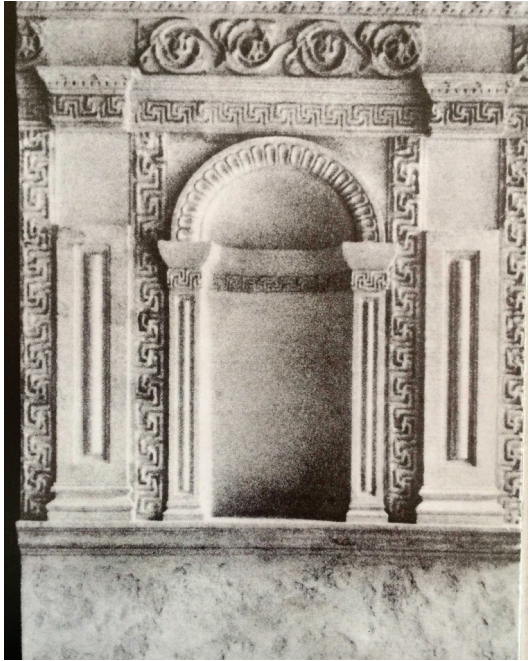
همچنین در تزئینات گچ‌بری طاقچه‌ای در کاخ بیشاپور که هم‌اکنون در موزه‌ی لوور نگهداری می‌شود، نقوش درهم‌پیچیده‌ی برگ کنگر استفاده شده است. (تصویر ۱۵)

### ۲-۳- تاک و پیچک و انار

نقش انگور که در گذشته در نقوش بین‌النهرین به کار گرفته می‌شده، در دوره‌ی ساسانی نیز در گچ‌بری‌های

نقش آکانتوس نیز برگی شبیه به کنگر یا تاک است و از نظر فرم تقریباً به برگ‌های پالمت نزدیک است ولی برگ‌های آن پهن‌تر است. این نقش توسط یونانیان باستان برای تزئین مورد استفاده واقع می‌شد. نقش آکانتوس در گچ‌بری‌هایی از کاخ بیشاپور و کاخ تیسفون استفاده شده است. (تصاویر ۱۱، ۱۲ و ۱۳)

مرور آثار باستانی ایران و حتی اقوام آسیایی نشان می‌دهد

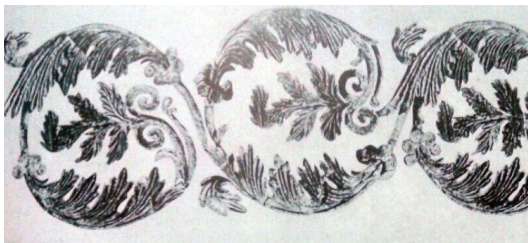


تصویر ۱۵ (الف) - طاقچه‌ی گچ‌بری شده در کاخ بیشاپور، قرن سوم میلادی



(الف)

تصویر ۱۴- (الف و ب) ستون‌های یادبود در بنایی که برای یادگار شاپور یکم برپاشده است، بی‌شاپور، سال ۲۶۶ میلادی، منبع: گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۵۱



(ب) - نقش شاخ و برگ‌های تزیینی بر طاق‌های بزرگ کاخ بیشاپور، منبع: گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۴۰



(ب)



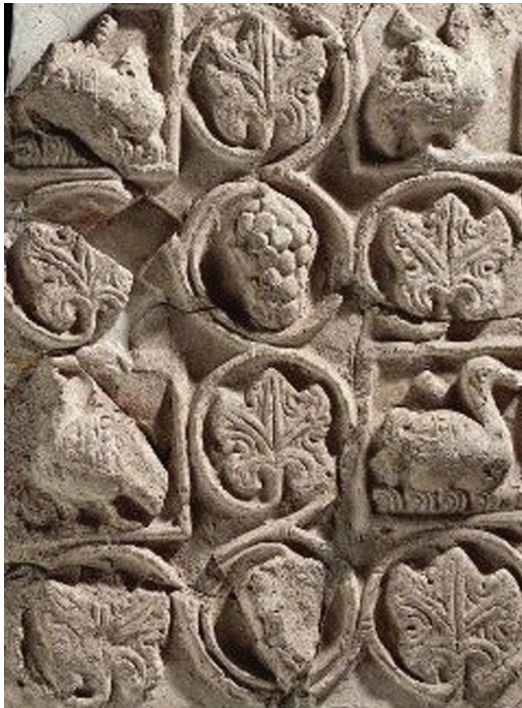
تصویر ۱۷- گچ‌بری با نقش انگور، کاخ بیشاپور، منبع: گیرشمن، ۱۳۷۸: ۲۰۸



تصویر ۱۶- گچ‌بری با نقش انگور، کاخ تیسفون، منبع: [www.metmuseum.org/Collections](http://www.metmuseum.org/Collections)

از درخت تاک، پرنده‌ای شبیه عقاب یا کبک دیده می‌شود و اطراف آن نقش گل‌وبوته و انار نیز در هر دو اثر موجود به چشم می‌خورد. (تصاویر ۱۸ و ۱۹)

کاخ چال ترخان و قسمتی از گچ‌بری‌های کاخ کیش و کاخ تیسفون مورد استفاده قرار گرفته شده است (تصاویر ۱۶ و ۱۷). بر روی گچ‌بری چال ترخان و بر روی شاخه‌ای



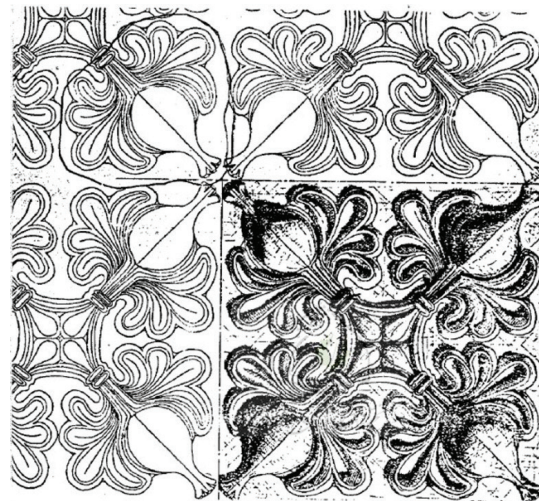
تصویر ۱۹- گچ‌بری با نقش پرنده بر شاخه انگور، چال ترخان، موزه بوستون، منبع: [www.raeeka.wordpress.com](http://www.raeeka.wordpress.com)



تصویر ۱۸- گچ‌بری با نقش پرنده بر شاخه انگور، چال ترخان، موزه بوستون، منبع: [www.raeeka.wordpress.com](http://www.raeeka.wordpress.com)



تصویر ۲۱- نقش انار داخل برگ‌های نخل، کاخ تیسفون، منبع: [www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)



تصویر ۲۰- طرح استیلیزه شده برگ انار که بر روی ساقه متحدالمرکزی قرار دارد، کاخ کیش، منبع: انصاری، ۱۳۶۶: ۳۳۰

#### ۲-۴- نقش بلوط

این نقش به‌عنوان عنصر تزئینی در گچ‌بری‌های دوره ساسانی به‌کاررفته است. نمونه‌ای از این نقش در آثار گچ‌بری کاخ کیش و تیسفون به‌دست‌آمده آمده است. (تصویر ۲۲) در این نقش علاوه بر کاربرد نمادین گیاه و میوه بلوط که نشانه امنیت، باروری و دوام است، ویژگی بارز دیگر هنر ساسانی یعنی قرینگی را مشاهده

در برخی از آثار گچ‌بری، طرح برگ انار بر روی ساقه‌ی متحدالمرکزی قرار دارد که آن را از غنچه تا مراحل گل و میوه و گاه به‌صورت طرح‌های استیلیزه ملاحظه می‌کنیم. (تصویر ۲۰) طرح یادشده بعدها در نقش اندازی بر روی فرش و قالی به کار گرفته‌شده است (انصاری، ۱۳۶۶: ۳۲۹-۳۳۰). گاهی نیز میوه انار در داخل برگ نخل قرار گرفته است. (تصویر ۲۱)

می‌کنیم. هنرمند دوره ساسانی به زیبایی با پیچ‌وتاب دادن گیاهان از آن‌ها بهره برده و زمینه‌ساز نقوش تزئینی گیاهی در دوره‌های بعد و به‌ویژه نقوش اسلیمی در دوره اسلامی شده است.

لوتوس و در حاشیه ظرف، یک اسلیمی صورت گرفته و در پیچ‌وخم‌های چپ و راست این اسلیمی گل و برگ‌ها و حیوانات و پرندگان حک شده است (آزاد بخت، طاووسی، ۱۳۹۱: ۶۶). در این تصویر از تصاویر نمادین جانوری و گیاهی در کنار هم استفاده شده است.



تصویر ۲۳- نقش گل لوتوس بر سینی نقره، دوره ساسانی، موزه آرمیتاژ، منبع: آزاد بخت و طاووسی، ۱۳۹۱: ۶۳



تصویر ۲۲- برگ‌های درهم‌رفته که در انتهایشان دارای میوه بلوط هستند، کاخ تیسفون، منبع: www.metmuseum.org

عقاب نماد پیروزی، قدرت، نیرومندی و خوش‌یمنی بوده و گل لوتوس که همواره نماد آن‌اهیتا، الهه‌ی آب، باروری و حاصلخیزی است، به‌صورت رویش گیاهان در این تصویر به زیبایی نمایان شده است. نقش لوتوس را بر روی ظروف دیگر دوره ساسانی نیز می‌توان دید که به‌تنهایی یا در ترکیب با نقوش گیاهی دیگر به‌کاربرده شده است. (تصویر ۲۴)

**۳- فلزکاری ظروف سیمین و زرین**  
در دوره ساسانی در انواع هنرها به‌ویژه ساخت و پرداخت ظروف سیمین شاهد بلوغ چشمگیری هستیم. شکل‌های منتخب برای ساخت این ظروف باید متناسب باشکوه دربار ساسانی و کاربرد آن‌ها می‌بود. معروف‌ترین اشکال این آثار عبارت‌اند از: بشقاب بزرگ مدور، سینی مدور با لبه‌های برگشته و مضرس، کوزه‌ی بیضی با پایه‌ی بلند شیپوری شکل و گلدان گلابی‌شکل با گردن بلند نامنظم (آزاد بخت، طاووسی، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۰). موضوعات مهم تزئین این ظروف نیز شامل: صحنه‌های شکار، جلوس شاه، اعطای منصب و ضیافت، رامشگری، صحنه‌هایی با ویژگی‌های مذهبی، پرندگان و گل‌ها و حیوانات افسانه‌ای است (زمانی، ۲۵۳۵: ۲۳). هم‌چنین بر روی بشقاب‌های سیمین، جام‌ها و تنگ‌ها، حیوانات اساطیری چون شیر همراه درختان و نقوش گیاهی و ستاره هشت پر حک شده است (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۸۲ - ۸۱).



تصویر ۲۴- نقش لوتوس بر روی تنگ آب، نقره‌ی زراندود، دوره ساسانی، موزه میهو، منبع: <http://www.miho.or.jp/booth/html/doccon/00001253e.htm>

### ۳-۱- نقش لوتوس بر ظروف

نمونه‌ای از تصویرسازی نمادین در سینی نقره ساسانی موجود در موزه‌ی آرمیتاژ (تصویر ۲۳) مشاهده می‌شود. بر روی این سینی تصویر یک عقاب که زنی را با پنجه‌های خود نگاه‌داشته است حکاکی شده و در پایین صحنه دو هیکل که اولی تیر و کمان و دیگری تبری در دست دارد، نشان داده شده است. در طرفین عقاب دوشاخه‌ی



تصویر ۲۷- نقش درخت زندگی بر بشقاب نقره، دوره ساسانی، موزه میهو، منبع: <http://raeeka.wordpress.com/category/%D8>

تصویر ۲۶- بشقاب نقره با نقش دو اسب بالدار با حاشیه‌ای از برگ درختان، دوره‌ی ساسانی، موزه‌ی اسمیت سونیان، منبع: <http://raeekawordpresscomcategory/%D8%AF%D8>

نماد نگهبانان درخت مقدس هستند. در بشقاب نقره دیگری که از دوره ساسانی به‌جامانده است ما این نقش را به‌صورت دو اسب بالدار که در دو طرف درخت زندگی هستند می‌بینیم. در حاشیه‌ی ظرف نیز نقوش گیاهی نمایان است (تصویر ۲۶) و در مواردی این محافظان به شکل انسان و یا فرشتگان نشان داده‌شده است. (تصویر ۲۷) نگاهی از درخت زندگی اغلب بر عهده بز و گاهی شیر است. (تصاویر ۲۸ و ۲۹)

### ۳-۳-انگور

شاخه‌های به‌هم‌پیچیده‌ی تاک و میوه‌ی آن بر روی بسیاری از ظروف دوره ساسانی به چشم می‌خورد. هنرمندان ساسانی در بسیاری موارد، صحنه‌های روزمره زندگی را بر روی ظروف نقش کرده‌اند. در تصویر ۳۰ پیاله‌ای را با صحنه‌هایی از شراب‌سازی می‌بینیم که

### ۳-۲-درخت زندگی

تصویر ۲۵ ظرفی از دوره ساسانی را نشان می‌دهد که شکل و فرم خاصی دارد، بر روی قسمتی از این ظرف دو بز کوهی را در دو طرف درختی با شاخ و برگ‌های متعدد می‌بینیم. در دوره ساسانی درخت با شاخه‌های پیچان و متقارن نمایانگر درخت زندگی یا درخت مقدس بوده است. در حقیقت، درخت مقدس درختی است بهشتی و سودمند برای بشریت؛ که معنویت خاصی در آن وجود دارد. هر جا بز کوهی دیده می‌شود نشان از آب و گیاه است (آزاد بخت، طاووسی، ۱۳۹۱: ۶۷). همچنین در تصویر ۲۶ درخت زندگی را بر روی بشقاب نقره مشاهده می‌کنیم.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در هنر ساسانی دو جانوری که به‌طور قرینه در اطراف درخت قرار می‌گیرند



تصویر ۲۹- ظرف نقره و طلا با نقش درخت زندگی، دوره ساسانی، منبع: (بهنام، ۱۳۱۹: ۳۵)



تصویر ۲۸- بشقاب نقره با نقش درخت زندگی، در این ظرف علاوه بر درخت زندگی نقوش گیاهی پالمت، برگ کنگر و گل لوتوس نیز مشاهده می‌شود. دوره ساسانی، موزه اسمیتسونیان، منبع: (بهنام، ۱۳۱۹، ۳۵)



(الف)

تصویر ۳۱- (الف و ب) نقش درخت انگور بر ظرف بیضی شکل، نقره زراندود، دوره ساسانی، موزه هنر کلیولند، منبع: <http://www.khabaronline.irdetail/315982>



تصویر ۳۰- کاسه سیمین زراندود با نقش صحنه‌هایی از شراب سازی، دوره ساسانی، موزه متروپولیتن، منبع: (اتینگهاوزن و یار شاطر، ۱۳۷۹: ۱۲۵)



(ب)



تصویر ۳۲- جام نقره با نقش درخت انگور، دوره ساسانی، موزه بریتانیا، منبع:  
<http://www.khabaronline.ir>

حیوان، دو پرنده و یا جانوران افسانه‌ای به صورت رخ‌به‌رخ می‌بینیم. این موجودات از درخت و میوه‌ی آن محافظت می‌کنند و برای چیدن و برخورداری از میوه‌ی این درخت مقدس که رمز و اکسیر طول عمر و جاودانگی است باید با این دو محافظ جنگید و در صورت پیروزی، نامیرا و جاودان شد. این درخت در هنر ساسانی نماد باروری و رویش و همچنین واسطه‌ی خیروبرکت است. علاوه بر درخت زندگی، نقوش گیاهی نخل (پالمت)، نیلوفر، انگور، انار به‌وفور در آثار طرح‌شده است. نخل یا پالمت از طرفی نماد پادشاهی بوده و باروری، شگون و برکت را به همراه داشته است. نیلوفر نماد خورشید و در نتیجه حیات و بی‌مرگی، باروری و زایش، کمال و شکفتن معنوی بوده و در نقوش هنری مظهر میترا و آناهیتا است. انگور و انار نماد باروری، برکت و فراوانی و بلوط نماد امنیت و باروری بوده است. به‌طور کلی نتیجه به‌دست‌آمده از این پژوهش این است که نقوش گیاهی در هنر ساسانی تنها جنبه‌ی تزیین نداشته بلکه به دلایل اعتقادی بر روی بناها یا اشیا نقش شده است؛ که نمادهای شگون و برکت، خیرخواهی، باروری، ماندگاری و جاودانگی، طول عمر و دوام سلطنت هستند.

نقش درخت انگور در تمام سطح ظرف مشاهده می‌شود. نمونه‌های دیگر نقش انگور بر ظروف ساسانی در تصاویر ۳۱ و ۳۲ نشان داده شده است.

#### نتیجه

هنر در دوره ساسانی به‌گونه‌ای محکم، بالیمان و باورهای مردم پیوند می‌خورد. از آنجاکه فرهنگ دوره‌ی ساسانی ارتباطی مستقیم و بسیار نزدیک با اعتقادات و باورهای مذهبی داشت و به‌واسطه‌ی پیوند زنجیروار دین و دولت، به‌خاطر تحکیم مشروعیت شاهنشاهی، استفاده از ابزارهایی که میل را به مقصود برساند نیاز بود؛ بنابراین، برای استفاده از نیروهای ماورایی و بروز آن‌ها در تصاویر، نماد در آثار هنری، نهادینه شد و اینجا بود که استفاده از عناصر نمادین در فرهنگ و هنر ساسانی پررنگ‌تر از همه‌ی ادوار، نمود پیدا کرد.

نقوش گیاهی در هنر ساسانی شاید بیشترین زیرمجموعه را در میان نقوش هنری مختلف به خود اختصاص داده و نمادگرایی پیچیده‌ای را دارا هستند. از مهم‌ترین نقوش نمادین در هنر دوره ساسانی درخت زندگی است که حضور گسترده آن را در اکثر آثار ادبی و هنرهای تجسمی ایران به‌خصوص ظروف سیمین و نقش برجسته‌ها در میان دو



جدول ۱. نقوش گیاهی آثار هنری دوره ساسانی (مأخذ: نگارندگان)

| گیاه               | نمونه تصویری   | نماد  | کاربرد  |
|--------------------|--|---|---|
| گل نیلوفر (لوتوس)  |    | کمال، شکفتن معنوی، خورشید و در نتیجه حیات، بیمرگی، باروری و زایش. مظهر میترا، اناهیتا و اهورامزدا     | نقش برجسته‌های طاق‌بستان، گچ‌بری‌های کاخ تیسفون و چال ترخان، ظروف نقره و طلا، منسوجات |
| درخت زندگی         |    | نماد باروری و رویش یا واسطه‌ی خیروبرکت  | نقش برجسته‌های طاق‌بستان، ظروف نقره و طلا، منسوجات                                    |
| نخل (پالمت)        |   | باروری، شگون و برکت، نماد پادشاهی   | گچ‌بری‌های کاخ تیسفون و کیش، منسوجات  |
| برگ کنگر (آکانتوس) |  | منشأ یونانی داشته و به‌عنوان عنصر تزیینی استفاده‌شده است  | گچ‌بری‌های کاخ تیسفون و بیشاپور   |
| تاک (انگور)        |  | امید باروری و فراوانی   | گچ‌بری‌های کاخ تیسفون، کیش و چال ترخان، ظروف نقره و طلا                               |
| انار               |  | برکت و باروری   | گچ‌بری‌های کاخ تیسفون، ظروف نقره و طلا، منسوجات                                       |
| بلوط               |  | به‌عنوان عنصر تزیینی در کنار گیاهان دیگر استفاده‌شده است. در روم باستان نماد باروری و امنیت بوده است. | گچ‌بری‌های کاخ تیسفون و کیش   |

- ۳- Vedic: منسوب به ودا (ریگ ودا) در هندوئیسم که به معنی قانون، عدل و داد، تعیین‌کننده‌ی رابطه‌ی فرد با فرد، فرد با جمع، فرد با نفس و درونش و قوانین سیاسی، اجتماعی، اخلاق و حکمت عملی است (رضی، ۱۳۷۴: ۷۴).
- ۴- چینامروش یا چَمروش: مرغی که به‌موجب متون پهلوی تخم‌های درخت «دور دارنده غم» را می‌گیرد و به‌جایی می‌برد که تشتر آب را از آنجا می‌ستانند. مرغ تخم‌ها را در آنجا می‌پراکند تا تشتر آن‌ها را همراه با باران در همه‌جا بباراند و در همه‌جا درخت دور دارنده غم بروید (<http://iraniania.ir/ie/1814>).
- ۵- نام درخت زندگی در اساطیر ایران باستان که شفابخش هر مرض به شمار می‌رود (لغت‌نامه دهخدا).
- ۶- محوطه تاریخی چال ترخان در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی ری و ۴ کیلومتری روستایی به همین نام قرار گرفته است. در این محوطه تپه‌ی بزرگی وجود دارد که بقایایی از بناهای ویران‌شده‌ای است که قصرهای آن مجموعه‌ی بارزشی از معماری و هنر دوران ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی است (مرادی، ۱۳۸۱: ۶۹).

## منابع

- آدام، رابرت (۱۳۷۵). معماری کلاسیک، ترجمه حسین سلطان‌زاده، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آزاد بخت، مجید و طاووسی، محمود (۱۳۹۱). استمرار نقش‌مایه‌های ظروف سیمین دوره ساسانی بر نقوش سفالینه‌های دوره سامانی نیشابور، نگره، شماره ۲۲، ۵۷-۷۲.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۹). تاریخ اساطیری ایران، چاپ دوازدهم، تهران، سمت.
- اتینگهاوزن، ریچارد و یار شاطر، احسان (۱۳۷۹). اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه‌ی هرمز عبدالهی و رویین پاکباز، چاپ اول، تهران، آگاه.
- انصاری، جمال (۱۳۶۶). گچ‌بری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنرهای اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۱۳، ۳۱۸-۳۷۳.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). دانشنامه مزدیسنا، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، تهران، مرکز.
- بهمنی، پردیس (۱۳۸۹). سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، دانشکده هنر و رسانه دانشگاه پیام نور تهران.
- پرادا، ایدت (۱۳۸۳). هنر ایران باستان، ترجمه‌ی یوسف مجید زاده، تهران، دانشگاه تهران.
- پور خالقی چترودی، مهدخت (۱۳۸۰). درخت زندگی و ارزش فرهنگی و نمادین آن در باورها، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱، ۸۹-۱۲۶.
- خالدیان، ستار (۱۳۸۷). تأثیر هنر ساسانی بر سفال دوره اسلامی، باستان پژوهی، شماره ۱۶، ۱۹-۳۰.
- خرازی زاده، شادی (۱۳۸۳). نقش گیاهان در هنرهای تجسمی ایران باستان، استاد راهنما: امیر اشرف آریان پور، استاد مشاور: غلامعلی حاتم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء (س).
- دادور، ابوالقاسم و مکوندی، لیلا (۱۳۹۱). بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی، هنرهای، ۱-۵۰، شماره ۳۲-۲۳.
- رضی، هاشم (۱۳۷۴). اوستا، تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان، تهران، سخن.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). تاریخ آیین راز آمیز میتراپی در شرق و غرب؛ ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات بهجت.
- زمانی، عباس (۲۵۳۵). تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، تهران، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

- طاهری، صدرالدین و زهره سلطانمرادی (۱۳۹۲). گیاه زندگی در ایران، میانرودان و مصر باستان، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۲، دوره ۱۸، ص ۱-۱۵.
- سودآور، ابوالعلا (۱۳۸۴). فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، تهران، نشر نی.
- سیروس، شهریار (۱۳۹۲). پردیس هخامنشی خاستگاه باغ ایرانی، فصلنامه معماری و ساختمان، شماره ۳۵، ص ۱۲۶-۱۳۱.
- شمس، امیر (۱۳۷۹). نگاهی به نشان‌ها و نمادها در ایران باستان، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۸، ص ۱۹۴-۲۰۹.
- فرنیغ دادگی، رمضان (۱۳۸۰). بندهش، ترجمه‌ی مهرداد بهار، تهران، توس.
- قلی زاده، خسرو (۱۳۸۷). فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- گیرشمن، رومن (۱۳۹۰). هنر ایران در دوره‌ی پارتی و ساسانی، ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی. تهران، علمی فرهنگی.
- مرادی، یوسف (۱۳۸۱). معرفی کتاب گچ‌بری‌های چال ترخان اثر دپوره تامپسون، مجله باستان پژوهی، شماره ۱۰، ص ۶۹-۷۲.
- مقدم، محمد (۱۳۸۰). جستار درباره مهر و ناهید، تهران، انتشارات هیرمند.
- منصوری، امیر (۱۳۹۳). بهار و یادمان‌های رمزی نوروزی در نگاهی به یافته‌های باستان‌شناسی محدوده سد سیمره، <http://baloutestan.ir>
- موسوی، بی‌بی زهرا و آیت الهی، حبیب اله (۱۳۸۹). بررسی نقوش منسوجات در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی، نگره، شماره ۱۷، ۴۷-۵۷.
- نوابی، ماهیار (۱۳۴۶). درخت آسوریک، چاپ دوم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم (۱۳۸۹). سرآغاز گیاهان در اساطیر ایرانی، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۷ (علمی-ترویجی)، ۲۳۷-۲۶۲.
- وارنر، رکس (۱۳۸۶). دانشنامه‌ی اساطیر جهان، ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چاپ اول، تهران، اسطوره.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۸). اسطوره‌های ایرانی، ترجمه‌ی دکتر مهناز شایسته فر، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۵). شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چاپ دهم، تهران، چشمه.
- <http://olka.persianblog.ir/post/16/>
- <http://hr-moshir.blogfa.com/post-10>
- <http://www.cgie.org.ir/fa/article>
- <http://www.forum.com/t20434-8>
- <http://www.city-info.ir/Historical>
- <http://symbol.blogfa.com>

### منابع تصاویر

- آزاد بخت، مجید و طاووسی، محمود (۱۳۹۱). استمرار نقش‌مایه‌های ظروف سیمین دوره ساسانی بر نقوش سفالینه‌های دوره سامانی نیشابور، نگره، شماره ۲۲، ۵۷-۷۲.
- اتینگهاوزن، ریچارد و یار شاطر، احسان (۱۳۷۹). اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه‌ی هرمز عبداله‌ی و رویین پاکباز، چاپ اول، تهران، آگاه.
- انصاری، جمال (۱۳۶۵ و ۱۳۶۶). گچ‌بری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنرهای اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۱۳، ۳۱۸-۳۷۳.
- بهنام، پرویز (۱۳۱۹). صنعت نقره‌کاری در دوره‌ی ساسانیان و عصر جدید، مجله ایران امروز، شماره دهم، ۳۱-۳۹.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۰). هنر ایران در دوره‌ی پارتی و ساسانی، ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی. تهران، علمی فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۸). بیشاپور، جلد دوم، ترجمه‌ی اصغر کریمی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

-گیرشمن، رومن (۱۳۹۰). هنر ایران در دوره‌ی پارسی و ساسانی، ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی. تهران، علمی فرهنگی  
<http://raeeka.wordpress.com>-  
<http://www.metmuseum.org>-  
<http://vista.ir>-  
<http://irantourism.akairan.com>-  
[/http://baloutestan.ir](http://baloutestan.ir)-  
[/http://sasaniarchitecture.persianblog.ir](http://sasaniarchitecture.persianblog.ir)-  
<http://www.miho.or.jp>-  
[/http://www.mfa.org](http://www.mfa.org)-

# The Role of Mythological and Sacred Plants in Sassanid Art (With Emphasis on Relief, Metalworking and Stucco)

M. Mobini<sup>1</sup>  
A. Shafei<sup>2</sup>

Received: 2014.10.01  
Accepted: 2015.06.07

## Abstract

Plants had a special importance in different ancient religions and cultures and due to different reasons some of them had sacred and mythological status which was derived from people's religious beliefs. They also had significant impacts on people's practical lives and based on these features they were manifested in art of each era. In ancient Iran, some plants had specific importance and were considered as sacred plants. In Achaemenid era when Iranian art achieved a coherent style, plant symbols were widely represented in this art which were according to Zarathustra's teachings and beliefs. Sassanid who thought themselves as the heir of Achaemenian art, continued to use and keep these plant symbols and myths in their various art works. By applying descriptive-analytical research method and library-based documents, this paper attempts to provide recognition of mythological and Sacred Plants, determination of the origins of these mythological and their importance and roles in Sassanid art. The research results present that the use of motifs of mythological and Sacred Plants served decorative, symbolic and religious purposes. In another word, they were rooted in religious beliefs of that era and they symbolized blessing, mercifulness, fertility, immortality, and even the continuity of monarchy and authority.

**Keywords:** Plant, Myth, Sacred, Motif, Sassanid Art

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Faculty of Art, Payame Noor University; mobini.mahtab@gmail.com  
<sup>2</sup>. MA student of Art Research, Payame Noor University, Iran; az4deee@yahoo.com